



تحلیل راهبردی

پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت هفته دولت

از روایت قدرت و قوت ایران
تا فراراهبردی شدن فرهنگ و تعلیم و تربیت



- تهیه‌کننده: معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی راهبردی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
- تاریخ تهیه و انتشار: شهریورماه ۱۴۰۵
- آدرس: خیابان فاطمی، کوچه ششم (شیخ‌ر)، پلاک ۱۴۲
- ناشر: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
- شناسه سند:
- شماره تماس: ۰۲۱-۸۴۰۳۸۰۰۰
- پست الکترونیکی:
- پایگاه اینترنتی: [www. ccoip. ir](http://www.ccoip.ir)

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	سطوح مختلف پیام مقام معظم رهبری
۵	۱. «ایران هر چه قوی تر»؛ غایت اصلی و چارچوب فهم کل پیام
۶	ضعف، موضوع اقدام است؛ قوت، موضوع روایت
۷	۲. روایت مردم؛ از حضور و مقاومت تا تبدیل شدن به سرمایه قدرت ملی
۸	۳. اقتصاد، تولید، نخبگان و فناوری؛ روایت «ظرفیت‌های ایران برای قوی تر شدن»
۱۰	۴. استقلال و پیشرفت؛ مقابله با روایت «پیشرفت از مسیر تبعیت»
۱۱	۵. انسجام اجتماعی؛ شرط قدرت و معیار سنجش تصمیم‌ها
۱۳	۶. فرهنگ و تعلیم و تربیت؛ از «موضوع» به «فراراهبرد»
۱۴	۷. ارتباط همه اجزای پیام؛ یک منظومه واحد
۱۵	۸. نسبت پیام ۶ شهریور با پیام‌های قبلی مقام معظم رهبری
۱۶	۹. مهم‌ترین دلالت راهبردی پیام
۱۷	۱۰. جمع‌بندی نهایی

پیام رهبر انقلاب حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت هفته دولت را باید در سطحی فراتر از یک پیام مناسبتی و حتی فراتر از مجموعه‌ای از توصیه‌های اجرایی به دولت خواند. این پیام در واقع تصویری از الزامات حرکت کشور در شرایط کنونی به سمت «**ایران هر چه قوی‌تر**» ارائه می‌دهد و در این مسیر، چند مفهوم را به صورت زنجیره‌ای به یکدیگر پیوند می‌زند: «قدرت و قوت ایران»، «نقش مردم»، «ظرفیت‌های داخلی و نخبگانی»، «انسجام اجتماعی» و در نهایت «فرهنگ، تعلیم و تربیت». اهمیت پیام در این است که این مفاهیم را جدا از یکدیگر مطرح نمی‌کند؛ بلکه از خلال ارتباط آنها می‌توان یک منطق کلان را استخراج کرد که بر اساس آن، قدرت ملی هم باید تولید شود، هم باید حفظ شود، هم باید درست روایت شود و هم باید در نسل‌های آینده بازتولید گردد.

از این منظر، نقطه آغاز و پایان پیام یکسان است «**ایران هر چه قوی‌تر**» اما در میان این آغاز و پایان، رهبر انقلاب توضیح می‌دهند که این هدف با چه الزامات و ملاحظات قابل تحقق است. بنابراین، اگر بخواهیم پیام را به صورت مفهومی بازسازی کنیم، می‌توان گفت که پیام ابتدا «هدف» را مشخص می‌کند، سپس «روایت» را به عنوان یکی از الزامات قدرت‌یابی مطرح می‌سازد، بعد به «ظرفیت‌های واقعی کشور» و «نحوه فعال‌سازی آنها» می‌پردازد، سپس «انسجام اجتماعی» را به عنوان شرط حفظ قدرت و خط قرمز تصمیم‌گیری‌ها معرفی می‌کند و در پایان، با مفهوم «فراراهب‌دی بودن فرهنگ و تعلیم و تربیت»، افق بلندمدت و نسلی این قدرت‌سازی را ترسیم می‌کند.

سطوح مختلف پیام مقام معظم رهبری

سطح	محور اصلی	مؤلفه‌های کلیدی	دلالت راهبردی
۱	هدف نهایی	ایران هر چه قوی‌تر	غایت مشترک همه اقدامات، سیاست‌ها و روایت‌ها
۲	روایت قدرت و قوت	نقاط مثبت، دستاوردها، توانمندی‌ها، قدرت ملت	قدرت‌های واقعی کشور باید تبیین و برجسته‌سازی و ضعف‌ها باید حل شوند، نه اینکه روایت‌سازی شوند
۳	مردم و سرمایه اجتماعی	حضور، جهاد، ایستادگی، همدلی، همراهی	مردم یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت ملی و سرمایه اجتماعی کشورند
۴	انسجام اجتماعی	وحدت، همدلی، اعتماد، پرهیز از دوقطبی‌سازی، پیوست انسجام	انسجام اجتماعی باید در همه تصمیمات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی ملاحظه شود
۵	ظرفیت‌های قدرت‌ساز	تولید داخلی، سرمایه‌گذاری، اقتصاد مقاومتی، فناوری، نخبگان و نوآوری	ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه کشور باید برای افزایش قدرت ملی فعال شوند
۶	توان جهش	ترک روال‌های ناکارآمد، استفاده از ایده‌های نو، فناوری و ظرفیت جوانان	ایران صرفاً دارای ظرفیت‌های موجود نیست؛ بلکه ظرفیت جهش و تولید قدرت جدید را نیز دارد
۷	فرهنگ و تعلیم و تربیت	مدرسه، دانشگاه، حوزه، خانواده، معلمان، استادان و نقش‌آفرینان فرهنگی	فرهنگ و تربیت صرفاً یک حوزه مستقل نیست؛ بلکه فراراهبرد و ملاحظه حاکم بر سایر راهبردهاست
۸	انسان آینده	هویت، امید، مسئولیت‌پذیری، دانش، شایستگی و ارزش‌ها	سرمایه انسانی و فرهنگی، حامل قدرت ایران در آینده است
۹	نتیجه	قدرت ملی + انسجام + ظرفیت‌سازی + تربیت نسل آینده	حرکت پایدار به سمت ایران هر چه قوی‌تر

۱. «ایران هرچه قوی‌تر»؛ غایت اصلی و چارچوب فهم کل پیام

عبارت «ایران هرچه قوی‌تر» در پیام، یک عبارت پایانی و تشریفاتی نیست؛ بلکه مقصد اصلی تمام توصیه‌ها و تحلیل‌های ارائه‌شده است. رهبر انقلاب شرایط کنونی کشور را «خطیر و پیچیده» توصیف می‌کند و تأکید دارند که حرکت به سمت ایران قوی‌تر، نیازمند تلاش شبانه‌روزی و ابتکار مستمر است. اما بلافاصله یک مؤلفه کمتر مورد توجه اما بسیار مهم را به این فرایند اضافه می‌کنند: «تبیین و روایت قدرت و قوت ایران و ملت عزیز آن»

این نکته از آن جهت مهم است که در این پیام، «قدرت» صرفاً یک واقعیت عینی نیست؛ بلکه ادراک قدرت نیز بخشی از قدرت ملی محسوب می‌شود. کشوری ممکن است از ظرفیت‌های اقتصادی، علمی، انسانی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی برخوردار باشد، اما اگر این ظرفیت‌ها برای جامعه خود و دیگران دیده و فهمیده نشود، در عرصه ادراکی و روانی نمی‌تواند از تمام ظرفیت قدرت خود استفاده کند. بنابراین روایت، در اینجا یک فعالیت جانبی رسانه‌ای نیست؛ بلکه بخشی از فرایند قدرت‌سازی است.

به همین دلیل، اولین و صریح‌ترین سوژه‌ای که از این پیام برای روایت‌سازی قابل استخراج است:

«روایت قدرت و قوت ایران»

است؛ اما باید توجه داشت که مقصود از این روایت، صرفاً فهرست کردن دستاوردها نیست. روایت قدرت باید بتواند تصویر کلی از توانایی کشور برای ایستادگی، حل مسئله، پیشرفت و ساختن آینده ارائه کند. یعنی روایت باید از سطح «ما چه دستاوردی داشته‌ایم؟» فراتر برود و به این پرسش پاسخ دهد که «چه ظرفیت‌هایی داریم که می‌توانند ایران را قوی‌تر کنند؟»

این نکته با یک تفکیک بسیار دقیق در پیام همراه شده است: رهبر انقلاب می‌فرمایند ضعف، نقص و کمبود، نیازمند روایت و برجسته‌سازی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع مشکل است. این عبارت در واقع یک مرزبندی روشن میان «حل مسئله» و «روایت‌سازی» ایجاد می‌کند. مشکل واقعی را نباید با روایت پوشاند؛ باید آن را اصلاح کرد. اما قوت واقعی را نیز نباید به دلیل تمرکز بر مشکلات، پنهان گذاشت؛ بلکه باید آن را روایت کرد.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین گزاره‌های قابل استخراج از پیام این است:

ضعف، موضوع اقدام است؛ قوت، موضوع روایت.

این تفکیک اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد مطالبه روایت قدرت به معنای ارائه تصویری غیرواقعی از کشور یا نادیده گرفتن مشکلات نیست. اتفاقاً متن پیام بعد از طرح این موضوع، به‌طور مفصل وارد مسائل اقتصادی، مشکلات معیشتی، تورم، بیکاری، قیمت‌ها و سایر چالش‌ها می‌شود. بنابراین، نگاه پیام، نگاه «نادیده گرفتن مشکل» نیست؛ بلکه نگاه «جلوگیری از تبدیل ضعف به روایت مسلط» است.

در همین چارچوب، استناد به آیه شریفه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» بسیار معنادار است. این استناد، روایت نقاط قوت را از یک اقدام صرفاً تبلیغاتی خارج کرده و برای آن یک مبنای ارزشی و دینی ایجاد می‌کند. بنابراین، روایت نعمت‌ها، ظرفیت‌ها و قوت‌های کشور نه تنها مجاز، بلکه در این چارچوب **ضروری** تلقی می‌شود.

از این منظر، در ادامه سلسله سوژه‌های روایت‌سازی معظم له (روایت فتح ۱۴۰۵/۳/۵ و روایت خیزش عظیم ملت ۱۴۰۵/۲/۲۵)، پیام ۶ شهریور جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. «روایت فتح» ناظر به پیروزی بود، «روایت خیزش عظیم ملت» ناظر به حضور و کنش مردم بود و اکنون «**روایت قوت و قدرت ایران**» ناظر به **تصویر کردن داشته‌ها و ظرفیت‌های کشور** است. بنابراین مسیر روایت‌سازی از بازخوانی یک واقعه، به بازنمایی یک ملت و سپس به بازنمایی قدرت و ظرفیت یک کشور در حال حرکت است.

۲. روایت مردم؛ از حضور و مقاومت تا تبدیل شدن به سرمایه قدرت ملی

در بخش بعدی پیام، رهبر انقلاب با اشاره به شش ماه گذشته، مردم ایران را به دلیل جلوه‌های مختلف **جهاد با دشمن**، **حضور در میدان**، **انسجام**، **همدلی و همراهی** مورد تجلیل قرار می‌دهند. این تعبیر اهمیت زیادی دارد، زیرا در واقع یک ارزیابی از عملکرد اجتماعی ملت در یک دوره سخت و پیچیده ارائه می‌شود.

در این پیام، روایت مردم وارد مرحله دیگری شده است. دیگر صرفاً گفته نمی‌شود که مردم حضور پیدا کردند یا در یک مقطع تاریخی به میدان آمدند؛ بلکه **این حضور و انسجام به عنوان بخشی از عیار حقیقی ملت و سرمایه قدرت کشور معرفی می‌شود.**

این موضوع در عبارت بعدی پیام اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ جایی که گفته می‌شود مردم، به دلیل همین عملکرد، شایسته و مستحق آن هستند که خدمتگزاری قوا و دستگاه‌های مسئول را در مسیر رسیدن به سطح مطلوب نظام و شأن والای ملت احساس کنند. این یعنی **میان رفتار مردم و مسئولیت حکومت** یک رابطه مستقیم برقرار می‌شود. مردم سرمایه اجتماعی تولید کرده‌اند و اکنون این سرمایه باید با خدمت، کارآمدی و عملکرد مناسب دستگاه‌های مسئول پاسخ داده شود.

بنابراین، روایت مردم در این پیام فقط روایت «مردم حاضر در میدان» نیست؛ بلکه روایت **مردمی است که با انسجام و ایستادگی خود بخشی از قدرت ملی را تولید کرده‌اند.** این تغییر نگاه بسیار مهم است. در این چارچوب، مردم نه صرفاً مخاطب سیاست‌ها و برنامه‌ها، بلکه یکی از ارکان اصلی قدرت کشورند. از اینجا می‌توان یک سوژه روایی مستقل استخراج کرد: «**روایت مردم ایستاده، منسجم و همراه.**» این روایت، ادامه «روایت خیزش عظیم ملت» است، اما یک تفاوت مهم دارد: اکنون حضور مردم باید به **روایت سرمایه اجتماعی و قدرت ملی** متصل شود. به بیان دیگر، اگر در روایات قبلی معظم له پرسش این بود که: «**ملت چه کرد؟**» اکنون پرسش تبدیل می‌شود به: «**این ملت چه ظرفیتی برای ساختن ایران قوی‌تر دارد؟**» و این دقیقاً نقطه اتصال روایت مردم با روایت قدرت است.

۳. اقتصاد، تولید، نخبگان و فناوری؛ روایت «ظرفیت‌های ایران برای قوی‌تر شدن»

پس از طرح مسئله روایت قدرت و تجلیل از مردم، پیام وارد عرصه اقتصاد و ظرفیت‌های توسعه‌ای کشور می‌شود. در این بخش، رهبر انقلاب مجموعه‌ای از مسائل اقتصادی را مورد اشاره قرار می‌دهند: تورم، بیکاری، مدیریت قیمت‌ها، بازار کالا و خدمات، رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری، هدایت سرمایه‌گذاری به سمت حوزه‌های مفید، رونق تولید و کاهش تدریجی نقش دلار. در نهایت نیز «مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» به‌عنوان یک محور مهم مطرح می‌شود.

اما نکته مهم این است که این قسمت از پیام را نباید صرفاً یک فهرست توصیه اقتصادی تلقی کرد. در دل آن، یک نگاه روشن به **قدرت اقتصادی کشور** وجود دارد. رهبر انقلاب در نهایت «تکیه هرچه بیشتر به تولید داخلی» را کلید اصلی حل این مسائل معرفی می‌کنند. بنابراین، اقتصاد در این پیام از زاویه «قدرت ملی» دیده می‌شود.

تعبیر «لکه‌های تیره‌ای که در صفحه اقتصاد کشور خودنمایی می‌کنند» نیز قابل توجه است. این تعبیر ضمن پذیرش وجود مشکلات، نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی به‌عنوان وضعیت غیرقابل اصلاح و فراگیر تصویر نمی‌شوند؛ بلکه بخش‌هایی از یک صفحه بزرگ‌تر هستند که می‌توانند به تدریج کوچک و در نهایت محو شوند. اینجا نیز همان منطق کلی پیام تکرار می‌شود: **مشکل وجود دارد، اما مشکل مساوی با ناتوانی کشور نیست.**

این نکته برای روایت‌سازی بسیار مهم است. روایت اقتصادی مورد نظر پیام، نه روایت «همه‌چیز خوب است» است و نه روایت «هیچ راهی برای اصلاح وجود ندارد». بلکه روایت مطلوب، **روایت ظرفیت حل مسئله و امکان پیشرفت** است.

در همین چارچوب، پیام به نقش مردم، متخصصان، فناوران و فعال کردن ظرفیت‌های جدید اشاره می‌کند. یعنی حل مشکلات کشور فقط از مسیر تصمیم‌های اداری و دولتی عبور نمی‌کند؛ بلکه نیازمند فعال کردن مجموعه ظرفیت‌های جامعه است. اینجا مفهوم «مردم» دوباره به اقتصاد پیوند می‌خورد و «متخصصان و فناوران» به‌عنوان منابع قدرت جدید وارد میدان می‌شوند.

در ادامه نیز موضوع **فناوری و نوآوری نخبگان جوان** به‌طور مستقل مطرح می‌شود. این بخش یکی از مهم‌ترین قسمت‌های پیام از منظر آینده‌نگری است. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند که استفاده به‌موقع از مزیت نخبگان و ترک روال‌های معمول و عادت‌های مرسوم می‌تواند جهش‌های مؤثری ایجاد کند.

بنابراین، مفهوم قدرت در اینجا از «داشته‌های فعلی» به ظرفیت‌های بالقوه‌ای که می‌توانند به قدرت بالفعل تبدیل شوند گسترش پیدا می‌کند.

این موضوع فقط به صنعت و کشاورزی محدود نمی‌شود؛ بلکه فرهنگ، تربیت، ارتباطات و امور اجتماعی نیز در زمره عرصه‌هایی قرار می‌گیرند که می‌توان در آنها از نوآوری و فناوری برای تولید قدرت استفاده کرد. از این قسمت یک سوژه روایی مهم قابل استخراج است:

«روایت ظرفیت‌های ایران برای جهش»

در این روایت، ایران کشوری نیست که فقط باید مشکلاتش را تحمل یا مدیریت کند؛ بلکه کشوری است که ظرفیت جهش، نوآوری، تولید، فناوری و حل مسائل را در اختیار دارد.

این موضوع با روایت قدرت نیز پیوند مستقیم دارد؛ زیرا قدرت ایران فقط در دستاوردهای امروز نیست، بلکه در توانایی تولید قدرت جدید نیز هست.

۴. استقلال و پیشرفت؛ مقابله با روایت «پیشرفت از مسیر تبعیت»

یکی از لایه‌های مهم و قابل توجه پیام در بخش اقتصادی و توسعه‌ای، بحث مربوط به روایت دشمن از مسیر پیشرفت ایران است. رهبر انقلاب تصریح می‌کنند که دشمن تلاش می‌کند چنین القا کند که مسیر آبادانی و پیشرفت کشور از پذیرش **خواسته‌هایش** می‌گذرد. سپس با ارجاع به تجربه تاریخی کشور، این ادعا را رد می‌کنند.

این بخش از پیام در حقیقت یک **روایت رقیب** را شناسایی می‌کند.

روایت رقیب می‌گوید:

برای پیشرفت باید وابسته شد، تبعیت کرد و خواسته قدرت خارجی را پذیرفت.

روایت مطلوب پیام در برابر آن قرار می‌گیرد:

پیشرفت از مسیر فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی، تولید، دانش، فناوری، نخبگان، مردم و ابتکار می‌گذرد.

این نکته، استقلال را از یک مفهوم صرفاً سیاسی به یک مفهوم **توسعه‌ای و تمدنی** نیز تبدیل می‌کند. یعنی استقلال فقط به معنای «مستقل بودن در تصمیم سیاسی» نیست؛ بلکه به معنای برخورداری از توان ساختن و اداره کشور نیز هست.

بنابراین، «روایت پیشرفت مستقل» را می‌توان یکی از زیرروایت‌های مهم پیام دانست؛ روایتی که می‌خواهد نشان دهد **قوی شدن ایران از مسیر تسلیم شدن نمی‌گذرد، بلکه از مسیر قوی شدن واقعی کشور می‌گذرد.**

در اینجا دوباره «ایران هرچه قوی‌تر» به عنوان مقصد همه اجزا بازمی‌گردد.

۵. انسجام اجتماعی؛ شرط قدرت و معیار سنجش تصمیم‌ها

اما شاید مهم‌ترین بخش پیام از نظر حکمرانی، قسمت مربوط به **وحدت و انسجام اجتماعی** باشد. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند که رعایت وحدت و مراقبت از انسجام اجتماعی باید همواره در مرکز توجه دولت، مسئولان و همه اجزای حکومتی باشد.

نکته اساسی‌تر، تعبیر «**پیوست انسجام اجتماعی**» است. بر اساس پیام، هر اقدام در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی باید با ملاحظه این پیوست انجام شود.

این تعبیر در حقیقت یک تغییر سطح مفهومی ایجاد می‌کند. انسجام اجتماعی دیگر صرفاً یک «موضوع اجتماعی» نیست؛ بلکه به یک **معیار برای تصمیم‌گیری در سایر حوزه‌ها** تبدیل می‌شود.

به زبان ساده، هر سیاستی باید علاوه بر بررسی آثار اقتصادی، سیاسی یا امنیتی خود، یک سؤال دیگر را نیز پاسخ دهد:

این اقدام چه اثری بر انسجام جامعه دارد؟

اگر موجب همگرایی، اعتماد و همدلی شود، در مسیر تقویت قدرت ملی قرار دارد؛ اما اگر موجب شکاف، دوقطبی‌سازی، ناامیدی و فرسایش سرمایه اجتماعی شود، حتی اگر در ظاهر برای یک گروه یا یک حوزه دارای فایده باشد، باید نسبت به آن تجدیدنظر کرد.

این دقیقاً همان جایی است که پیام از «وحدت» به یک **منطق حکمرانی مبتنی بر انسجام** عبور می‌کند.

رهبر انقلاب سپس نسبت به هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی هشدار می‌دهند و دوگانه‌سازی‌های موهوم را مورد توجه قرار می‌دهند. اهمیت این بخش در آن است که پیام، **فرسایش روحیه عمومی و ایجاد شکاف‌های مصنوعی را بخشی از تهدید علیه قدرت ملی** می‌داند.

بنابراین، انسجام اجتماعی صرفاً یک ارزش اخلاقی نیست؛ بلکه **جزئی از قدرت ملی** است.

اینجا ارتباط آن با «روایت قدرت» نیز روشن می‌شود: اگر قرار است قدرت ایران روایت شود، این روایت نباید به شکاف اجتماعی منجر شود؛ و اگر قرار است انسجام حفظ شود، روایت عمومی کشور باید بر نقاط مشترک، منافع مشترک و ظرفیت‌های مشترک جامعه تأکید کند.

به همین دلیل، می‌توان یک سوژه روایی مهم دیگر استخراج کرد:

«روایت ایران منسجم»

یعنی روایت کشوری که علی‌رغم اختلاف نظرها و تفاوت دیدگاه‌ها، در مسائل اساسی دارای هویت، منافع و سرنوشت مشترک است.

در این چارچوب، عبارت صریح:

«ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است»

یک جمله معمولی نیست؛ بلکه می‌توان آن را به‌عنوان خط قرمز راهبردی پیام در نظر گرفت.

۶. فرهنگ و تعلیم و تربیت؛ از «موضوع» به «فراراهبرد»

در پایان پیام، مفهوم بسیار مهم دیگری مطرح می‌شود که از نظر راهبردی شاید عمیق‌ترین بخش آن باشد: «توجه فراراهبردی به مسئله فرهنگ، تعلیم و تربیت». اهمیت این عبارت در واژه «فراراهبردی» است. رهبر انقلاب خودشان بلافاصله معنای آن را روشن می‌کنند: «تعبیر فراراهبردی به معنی آن است که تنظیم راهبردهای دیگر باید با ملاحظه این مسئله باشد» بنابراین، فرهنگ و تعلیم و تربیت در اینجا صرفاً یکی از حوزه‌های کشور در کنار اقتصاد، سیاست، امنیت و اجتماع نیستند. حتی صرفاً یک «اولویت» هم نیستند؛ بلکه باید در تنظیم راهبردهای سایر حوزه‌ها مورد ملاحظه قرار گیرند، این همان نقطه‌ای است که فرهنگ از یک «موضوع» به یک اصل حاکم بر سیاست‌گذاری تبدیل می‌شود.

برای مثال، یک سیاست اقتصادی فقط نباید بر اساس میزان رشد یا سرمایه‌گذاری ارزیابی شود؛ بلکه باید آثار فرهنگی و تربیتی آن نیز مورد توجه قرار گیرد. یک سیاست اجتماعی فقط نباید بر اساس پیامدهای اجتماعی کوتاه‌مدت آن سنجیده شود؛ بلکه باید دید چه نوع انسان و چه نوع جامعه‌ای را در بلندمدت شکل می‌دهد. سیاست‌های ارتباطی، آموزشی، فناوری و حتی اقتصادی نیز به همین ترتیب باید نسبت خود را با فرهنگ و تربیت مورد توجه قرار دهند.

بنابراین، «فراراهبردی بودن فرهنگ و تعلیم و تربیت» در واقع به این معناست که سایر راهبردها باید با انسان و جامعه‌ای که قرار است بسازند سنجیده شوند. این نگاه، پیام را از سطح «مدیریت امروز» به سطح ساختن آینده می‌برد. در همین چارچوب، تأکید بر معلمان، استادان دانشگاه و حوزه، پزشکان، پرستاران و بانوان خانه‌دار معنا پیدا می‌کند. پیام، این افراد را صرفاً گروه‌های اجتماعی مورد حمایت معرفی نمی‌کند؛ بلکه آنها را منابع و مجاری تولید و انتقال فرهنگ مثبت و سازنده می‌داند.

به‌ویژه درباره بانوان خانه‌دار، نقش آنان در شکل‌دهی به فرهنگ آینده در محیط خانواده مورد تأکید قرار می‌گیرد. اینجا خانواده به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تولید سرمایه فرهنگی و تربیتی تبدیل می‌شود. در واقع، آنچه امروز در مدرسه، دانشگاه، حوزه، محیط کار و خانواده شکل می‌گیرد، انسانی را می‌سازد که قرار است ایران فردا را اداره کند.

بنابراین، ارتباط فرهنگ و قدرت در پیام بسیار عمیق‌تر از این است که بگوییم «فرهنگ یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی است». نگاه پیام این است که فرهنگ و تربیت، انسانِ حاملِ قدرتِ آینده را می‌سازند. از این منظر، فرهنگ و تعلیم و تربیت را باید **زیرساخت نرم ایران قوی‌تر** دانست.

۷. ارتباط همه اجزای پیام؛ یک منظومه واحد

اگر همه این بخش‌ها را کنار هم قرار دهیم، مشخص می‌شود که پیام دارای یک ساختار درونی بسیار منسجم است. ایران هرچه قوی‌تر هدف نهایی است. برای رسیدن به آن، کشور باید قدرت و قوت خود را بشناسد و روایت کند. این قدرت، بدون مردم و انسجام اجتماعی امکان استمرار ندارد. برای افزایش قدرت نیز باید **تولید، فناوری، نخبگان، نوآوری و ظرفیت‌های داخلی** فعال شوند.

اما قدرتی که بدون انسجام ایجاد شود، در معرض فرسایش اجتماعی قرار می‌گیرد؛ بنابراین انسجام اجتماعی باید به عنوان یک ملاحظه حاکم بر تصمیمات حفظ شود و در نهایت، اگر قرار است این قدرت پایدار بماند و به نسل‌های آینده منتقل شود، باید فرهنگ، تعلیم و تربیت و خانواده در جایگاه فراراهبردی قرار گیرند.

در نتیجه می‌توان منطق کلی پیام را این گونه ترسیم کرد:

حفظ امید و اعتماد عمومی



تقویت انسجام اجتماعی



فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی و نخبگانی



تولید قدرت بیشتر



فرهنگ و تربیت انسان آینده



ایران هرچه قوی‌تر

۸. نسبت پیام ۶ شهریور با پیام‌های قبلی مقام معظم رهبری

اگر این پیام را در کنار دو پیام قبلی معظم له (روایت فتح ۱۴۰۵/۳/۵ و روایت خیزش عظیم ملت ۱۴۰۵/۲/۲۵) قرار دهیم، روند بسیار معناداری آشکار می‌شود.

در «**روایت فتح**»، موضوع اصلی، پیروزی و نتیجه ایستادگی است.

در «**روایت خیزش عظیم ملت**»، کانون روایت به مردم و حضور تاریخی آنان منتقل می‌شود.

در ادامه، با توجه به شش ماه ایستادگی و حضور مردم، مؤلفه‌هایی مانند **جهاد، حضور، انسجام، همدلی و همراهی** برجسته می‌شوند. اکنون در پیام ۶ شهریور، یک مرحله جدید شکل گرفته است:

«روایت قوت، قدرت و نقاط مثبت ایران»

اما پیام در همین جا متوقف نمی‌شود. وقتی از تولید، نخبگان، فناوری، ظرفیت‌های نو، فرهنگ و تربیت سخن می‌گویید، در حقیقت روایت را از «**آنچه ایران دارد**» به «**آنچه ایران می‌تواند بشود**» منتقل می‌کند.

بنابراین، اگر بخواهیم روند را دقیق‌تر بیان کنیم:

روایت فتح ← روایت یک پیروزی

روایت خیزش عظیم ملت ← روایت یک ملت حاضر و فعال

روایت ایستادگی و انسجام مردم ← روایت سرمایه اجتماعی

روایت قوت و قدرت ایران ← روایت داشته‌ها و توانمندی‌های موجود

روایت ظرفیت‌های نو و نخبگان ← روایت توان جهش

روایت ایران هرچه قوی‌تر ← روایت افق و آینده مطلوب

در نتیجه، به نظر می‌رسد در این مرحله، روایت‌سازی از بازخوانی گذشته به سمت تبیین حال و ساختن آینده در حال حرکت است.

۹. مهم‌ترین دلالت راهبردی پیام

مهم‌ترین دلالت راهبردی پیام این است که **قدرت ملی در یک سطح تولید نمی‌شود.**

قدرت، حاصل جمع چند لایه است:

قدرت واقعی از تولید، فناوری، اقتصاد، علم، دفاع، مردم و ظرفیت‌های کشور می‌آید.

قدرت ادراکی از روایت صحیح این توانمندی‌ها شکل می‌گیرد.

قدرت اجتماعی با انسجام، همدلی و اعتماد عمومی حفظ می‌شود.

و قدرت پایدار و نسلی از فرهنگ، تعلیم و تربیت و تربیت انسان آینده ساخته می‌شود.

بنابراین، پیام در واقع یک نگاه چندلایه به قدرت ارائه می‌دهد؛ بدون آنکه الزاماً این لایه‌ها را با این عبارات دسته‌بندی کرده باشد.

از این منظر، روایت قدرت بدون قدرت واقعی بی‌معناست؛ قدرت واقعی بدون انسجام اجتماعی شکننده است و قدرت بدون تربیت انسان آینده پایدار نیست.

این شاید یکی از مهم‌ترین نتایج تحلیلی باشد که از کنار هم قرار دادن اجزای پیام می‌توان به دست آورد.

۱۰. جمع‌بندی نهایی

در مجموع، پیام فوق را می‌توان پیام «ساختن، حفظ کردن و روایت کردن قدرت ملی» دانست. در این پیام، رهبر انقلاب ضمن تقدیر از خدمات دولت و یادآوری جایگاه والای خدمت به مردم، افق اصلی را «ایران هرچه قوی‌تر» قرار می‌دهند و برای تحقق آن، از یک سو بر روایت قدرت و قوت ایران و از سوی دیگر بر اقدام برای رفع ضعف‌ها و حل مشکلات تأکید می‌کنند. در این میان، مردم به‌عنوان سرمایه اصلی اجتماعی و یکی از جلوه‌های قدرت کشور مورد توجه قرار می‌گیرند؛ اقتصاد و تولید به‌عنوان پایه‌های قدرت مادی کشور مطرح می‌شوند؛ نخبگان، فناوری و نوآوری به‌عنوان ظرفیت‌های جهش‌دهنده معرفی می‌شوند؛ استقلال و اتکا به توان داخلی در برابر روایت وابستگی قرار می‌گیرد؛ و در نهایت، انسجام اجتماعی به‌عنوان شرط حفظ قدرت و فرهنگ و تعلیم و تربیت به‌عنوان زمینه ساختن قدرت آینده مطرح می‌شوند.

اگر بخواهیم سوژه‌های اصلی روایت‌سازی را با کمترین تعداد محور، اما به‌صورت جامع استخراج کنیم، به نظر می‌رسد چهار کلیدواژه اصلی از پیام به دست می‌آید:

• روایت قدرت و قوت ایران

روایت داشته‌ها، دستاوردها، نقاط مثبت، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های کشور؛ با تأکید بر اینکه ضعف‌ها باید اصلاح شوند و قوت‌ها باید روایت شوند.

• روایت مردم و انسجام ملی

روایت شش ماه حضور، جهاد، ایستادگی، همدلی و همراهی مردم و تبدیل این سرمایه اجتماعی به پشتوانه ایران قوی‌تر.

• روایت ظرفیت و توان جهش ایران

روایت تولید داخلی، نخبگان جوان، فناوری، نوآوری، ظرفیت‌های جدید و امکان عبور از روال‌های ناکارآمد برای دستیابی به پیشرفت.

• روایت ساختن ایران آینده

روایت فرهنگ، تعلیم و تربیت، خانواده و نقش معلمان، استادان، حوزویان و سایر نقش‌آفرینان فرهنگی در ساختن انسان و جامعه‌ای که بتواند قدرت ملی را در آینده بازتولید کند.

اما در کنار این چهار مقوله، دو مفهوم در سطح بالاتری قرار می‌گیرند و نباید آنها را صرفاً یک کلیدواژه در کنار سایر کلیدواژه‌ها دانست: انسجام اجتماعی، به‌عنوان اصل حاکم بر اقدامات و تصمیمات؛ و فرهنگ و تعلیم و تربیت، به‌عنوان امر فراراهبردی و ملاحظه‌ای که باید در تنظیم سایر راهبردها حضور داشته باشد.

بنابراین اگر بخواهیم تمام پیام را در یک گزاره راهبردی خلاصه کنیم:

برای حرکت به سوی ایران هرچه قوی‌تر، باید قدرت و قوت کشور و ملت روایت شود، ظرفیت‌های واقعی و نوآورانه آن به فعلیت برسد، سرمایه اجتماعی و انسجام ملی حفظ شود و فرهنگ و تعلیم و تربیت به‌عنوان بستر ساختن انسان و جامعه آینده، در تنظیم همه راهبردهای کشور مورد ملاحظه قرار گیرد.

و اگر بخواهیم این پیام را در امتداد پیام‌های مشابه معظم له (روایت فتح ۱۴۰۵ / ۳/۵ و روایت خیزش عظیم ملت ۱۴۰۵/۲/۲۵) و در قالب یک روند روایی نهایی قرار دهیم، می‌توان گفت:

روایت فتح ← روایت خیزش عظیم ملت ← روایت ایستادگی و انسجام مردم ← روایت قوت و قدرت ایران ← روایت ظرفیت‌های ایران برای جهش ← روایت ایران هرچه قوی‌تر

در این مسیر، روایت از «گذشته» آغاز شده، به «مردم» رسیده، سپس به «قدرت و ظرفیت‌های امروز» منتقل شده و اکنون در حال حرکت به سوی «ساختن و روایت آینده ایران» است. پیام رهبری به مناسبت هفته دولت از این منظر فقط یک توصیه به روایت کردن نقاط قوت نیست؛ بلکه می‌تواند نشانه ورود روایت‌سازی به مرحله‌ای باشد که در آن روایت، انسجام و فرهنگ، سه ضلع مهم قدرت‌سازی برای ایران آینده تلقی می‌شوند.